

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ولادیمیر ایلیچ لنین
برگردان از: جواد راستی پور
فرستنده: علی مشرف
۳۰ جولای ۲۰۲۰

پلاتفرم تاکتیکی برای کنگره وحدت

حزب کارگری سوسیال دموکراتیک روسیه (ح.ک.س.د.ر.) - ۱

پیش نویس قطعنامه‌ها

برای کنگره وحدت ح.ک.س.د.ر. [۱]

یازده قطعنامه‌ای که به همراه این نامه به خواننده ارائه شده‌اند توسط گروهی متشکل از دبیران و نویسندگان سابق نشریه پرولتاری، و تعدادی از اعضای حزب که درگیر کار عملی بوده‌اند، که همگی دیدگاه‌های یکسانی داشته‌اند، تنظیم گشته است. اینها قطعنامه‌های تکمیل شده نیستند، بلکه پیش نویس‌های خام‌اند، که هدفشان ارائه دادن تصویری تا حد امکان کامل از مجموع دیدگاه‌هایی است که بخش مشخصی از حزب درباره تاکتیک دارد، و تسهیل بحث سیستماتیک است که اکنون به دعوت کمیته مرکزی مشترک ما در تمام محافل و سازمان‌های حزبی آغاز شده.

قطعنامه‌ها درباره تاکتیک‌ها در چارچوب دستور جلسه کنگره [۲] که در جزوه کمیته مرکزی مشترک پیشنهاد شده بود می‌گنجند. ولی اعضای حزب به هیچ وجه موظف نیستند که خودشان را به این دستور جلسه محدود نمایند. ما با قصد نشان دادن کامل همه عقاید درباره تاکتیک‌ها، احساس وظیفه کردیم که دو مسأله را که در دستور جلسه پیشنهاد شده توسط کمیته مرکزی مشترک وجود نداشتند، یعنی، «مرحله کنونی انقلاب دموکراتیک» و «وظایف طبقاتی پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب دموکراتیک» به موضوع بحث اضافه کنیم. بدون حل شدن این مسائل، مسائل خاص تر مربوط به تاکتیک‌ها نمی‌توانند مورد بحث قرار بگیرند. از این رو پیشنهاد می‌کنیم که کنگره در دستور جلسه‌اش مسأله عام زیر را درج نماید: «مرحله کنونی انقلاب دموکراتیک و وظایف طبقاتی پرولتاریا».

در خصوص برنامه ارضی، و شیوه برخوردی که باید نسبت به جنبش دهقانی اتخاذ گردد، نیاز به یک جزوه خاص هست.^۱ به علاوه، کمیته مرکزی مشترک کمیته خاصی را جهت تنظیم کردن گزارشی درباره این مسأله [۳] برای کنگره منصوب نموده است.

^۱ - به صفحات ۹۵-۱۶۵ از جلد ۱۰ مجموعه آثار لنین مراجعه نمایید - ویراستار.

با انتشار این پیش نویس‌های مقدماتی، ما همه اعضای حزب را به بحث اصلاح و تکمیل آنها دعوت می‌کنیم. سازمان های حزبی می‌توانند گزارش‌های مکتوب و پیش نویس‌هایشان را به کمیته سن پترزبورگ حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه ارسال دارند تا به گروه ارائه دهنده قطعنامه‌ها تحویل داده شود.

مرحله کنونی انقلاب دموکراتیک

نظر به این که:

(۱) با نابودی گسترده نیروهای مولد و فقیرسازی بی سابقه مردم، بحران اقتصادی و مالی که روسیه تجربه می‌کند، که از فروکش کردن فاصله زیادی دارد، گسترش می‌یابد و شدیدتر می‌شود و به بیکاری خوفناکی در شهرها و قحطی در مناطق روستائی منجر می‌گردد؛

(۲) اگر چه طبقه سرمایه دار بزرگ و ملاک که از فعالیت انقلابی مستقل مردمی که امتیازات و منافع یغماگرانه او را تهدید می‌کنند در هراس است، با هدف سرکوب انقلاب، به سرعت از مخالفت به سوی معامله با اتوکراسی [حکومت خودکامه] چرخش می‌کند، اما مطالبات برای آزادی سیاسی واقعی و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی پشتوانه بیشتری می‌یابند و در بین افسار جدید خرده بورژوازی و دهقانان قوی تر می‌شوند؛

(۳) دولت [حکومت] مرتجع کنونی که در عمل سعی دارد خودکامگی [یا حاکمیت خودکامه] قدیمی را حفظ کند، تمام آزادی‌هایی را که اعلان کرده بود پایمال می‌سازد و تنها به قشر فوقانی طبقات متمکن یک صدای مشورتی [رأی مشورتی] می‌دهد، تقلید مسخره آمیز شرم آوری از نمایندگی مردمی را ارائه می‌کند، کل کشور را در معرض یک رژیم سرکوب نظامی، سببیت وحشیانه و اعدامهای توده‌ئی می‌گذارد، و ستمگری پولیسی و اداری را تا درجه بی سابقه‌ای تشدید می‌کند، بدین وسیله ناآرامی و ناراضیاتی در بین بخش‌های وسیع بورژوازی را دامن می‌زند، خشم و غضب توده‌های پرولتاریا و دهقانان را برمی‌انگیزد، و راه را برای یک بحران سیاسی جدید، گسترده تر و شدیدتر هموار می‌کند؛

(۴) روند حوادث در پایان سال ۱۹۰۵ – اعتصابهای توده‌ئی در شهرها، ناآرامی در مناطق روستائی و قیام مسلحانه در دسمبر، که محصول تمایل مردم به دفاع کردن از آزادی‌هایی که کسب کرده بودند بازپس گرفتن آن آزادی‌ها توسط دولت بود، و سرکوب نظامی بی رحمانه متعاقب جنبش آزادیخواهانه – بی فایده‌گی توهمات مشروطه خواهانه را آشکار ساخته است و چشمان توده‌های وسیع مردم را به مضر بودن چنین توهماتی در دوره‌ای که مبارزه برای آزادی به شدت جنگ داخلی علنی رسیده، باز کرده است؛

ما عقیده داریم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

(۱) که انقلاب دموکراتیک در روسیه از فروکش کردن به دور است و در آستانه یک برآمد جدید قرار دارد، و این که دوره آرامش نسبی کنونی باید نه به مثابه شکست نیروهای انقلاب، بلکه به مثابه یک دوره انباشت انرژی انقلابی، هضم کردن تجربه سیاسی مراحل گذشته، گرفتن نیرو از افسار جدید مردم به جنبش درآمده و در نتیجه، تدارک دیدن برای یک تهاجم انقلابی جدید و قدرتمندتر در نظر گرفته شود؛

(۲) که شکل عمده جنبش آزادیبخش در زمان حاضر نه مبارزه قانونی بر مبنای شبه مشروطه، بلکه جنبش انقلابی مستقیم توده‌های وسیع مردم، شکستن قوانین پولیسی و نیمه فئودالی، ساختن قانون انقلابی، و نابود کردن جبری وسایل سرکوب مردم می‌باشد؛

۳) که منافع پرولتاریا، به مثابه پیشروترین طبقه در جامعه مدرن، برپا کردن مبارزه‌ای بی‌امان علیه توهمات مشروطه طلبانه‌ای را می‌طلبند که بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب (از جمله حزب دمکرات - مشروطه طلب) می‌پراکند تا منافع طبقاتی تنگ نظرانه‌اش را بپوشاند، منافی که در یک دوره جنگ داخلی، بیشترین تأثیر فاسدکننده را بر آگاهی سیاسی مردم می‌گذارند.

قیام مسلحانه

نظر به این‌که:

۱) تمامی تاریخچه انقلاب دمکراتیک کنونی در روسیه به ما نشان می‌دهد که، جنبش در کلیت، پیوسته به سوی اشکال قاطع‌تر و تعرضی‌تر مبارزه علیه خودکامگی [حاکمیت خودکامه] پیش می‌رود، اشکالی که به طرز فرایندهای خصلت توده‌نی یافته، سراسر کشور را دربر می‌گیرد؛

۲) اعتصاب سیاسی در اکتوبر، که دوما بولیگین را درهم شکست، دولت خودکامه را مجبور به اعلام اصول آزادی سیاسی نمود، و قدرت غول آسای پرولتاریا و توانائی این طبقه را برای دست زدن به عمل به صورتی یکپارچه و سراسری، به رغم تمام نارسائی‌های تشکیلاتی طبقاتی اش، به نمایش درآورد؛

۳) با رشد باز هم بیشتر جنبش، ثابت شد که اعتصاب عمومی مسالمت آمیز کافی نبوده و توسل به آن شیوه از مبارزه، نمی‌توانست راهی برای دستیابی به اهداف مورد نظر باشد و پراکندگی نیروهای پرولتاریا را باعث گردید؛

۴) در ماه دسمبر، تمامی جنبش انقلابی با نیروی اصلی خود به قیام مسلحانه روی آورد، زمانی که نه تنها پرولتاریا بلکه نیروهای جدیدی متشکل از تهیدستان شهری و دهقانان نیز سلاح برگرفتند تا به دفاع از آزادی‌هایی که مردم به دست آورده بودند در برابر تجاوزات دولت ارتجاعی برخیزند؛

۵) قیام دسمبر، تاکتیکهای جدید سنگربندی خیابانی را به منصفه ظهور رساند و به طور کلی این مطلب را اثبات نمود که مبارزه مسلحانه علنی مردم، حتی علیه نیروهای نظامی مدرن امکان پذیر است؛

۶) به خاطر استقرار دیکتاتوری نظامی و پولیسی، علی‌رغم وعده و وعید درباره قانون اساسی، توده‌های مردم به طرز فزاینده‌ای به ضرورت پیکار برای دستیابی به قدرت واقعی، قدرتی که مردم انقلابی تنها در یک نبرد رویاروی با نیروهای حکومت خودکامه قادر به کسب آن می‌باشند، آگاه می‌شوند؛

۷) حاکمیت خودکامه با کشاندن نیروهای نظامی خود برای سرکوب مسلحانه مردم، همان مردمی که نیروهای نظامی بخشی از آنها را تشکیل می‌دهند، با عدم اجرای اصلاحات فوری نظامی که تمامی عناصر صادق ارتشی خواستار آنند، با گام بر نداشتن جهت بهبود شرایط نامطلوب افسران و سربازان ذخیره، و با پاسخ دادن به درخواستهای سربازان و ملوانان تنها با شدت بخشیدن به سختگیریهای پولیسی و سربازخانه‌ئی، نیروهای نظامی خود را تضعیف کرده، روحیه آنها را درهم می‌شکند؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که در زمان کنونی، قیام مسلحانه نه تنها شیوه ضروری مبارزه برای آزادی بلکه همچنین مرحله‌ای است که جنبش حقیقتاً بدان رسیده است، گامی است که به لحاظ رشد و تشدید بحران سیاسی جدید، گذار از اشکال تدافعی به اشکال تعرضی مبارزه مسلحانه را آغاز می‌کند؛

۲) که در مرحله کنونی جنبش، اعتصاب سیاسی عمومی باید نه به عنوان شیوه مستقلی از مبارزه بلکه بیشتر همچون یک شیوه کمکی در رابطه با قیام به شمار آید، بنابراین تعیین زمان اعتصاب و انتخاب مکان و صنایع مورد نظر برای برپا داشتن چنین اعتصابی، ترجیحاً باید منوط به زمان و چگونگی شکل اصلی مبارزه، یعنی قیام مسلحانه باشد؛

۳) که حزب در فعالیت تبلیغی و ترویجی خود باید توجه خاصی به تجارب عملی قیام دسمبر میزول دارد، آن را از دیدگاه نظامی مورد بررسی انتقادی قرار دهد و درس های عملی برای آینده از آن استخراج نماید؛

۴) که تلاش و کوشش باز هم بیشتری باید برای تشکیل جوخه های رزمی، بهبود سازماندهی آنها و تأمین انواع اسلحه برای جوخه ها به کار گرفته شود؛ و همان طور که تجربه می گوید، نه تنها تشکیل جوخه های رزمی حزبی بلکه همچنین ایجاد جوخه های متحد با حزب و نیز جوخه های کاملاً غیرحزبی، ضرورت دارد؛

۵) که باید کار در میان نیروهای مسلح افزایش یابد، با توجه به این که تنها وجود نارضایتی در میان نیروهای ارتش برای موفقیت جنبش کافی نیست، بلکه همچنین رسیدن به توافق بلاواسطه [مستقیم] با عناصر دمکرات انقلابی سازمان یافته در نیروهای مسلح به منظور اجرای عملیات تعرضی قاطعانه علیه حکومت، لازم است؛

۶) که با توجه به جنبش دهقانی رشد یابنده، که ممکن است در آینده ای بسیار نزدیک، به یک قیام منظم بدل گردد، شایسته است در زمینه تلفیق حرکت های کارگران و دهقانان، به منظور سازماندهی عملیات رزمی حتی الامکان مشترک و همزمان، به فعالیت پرداخته شود.

عملیات رزمی چریکی

نظر به این که:

۱) از قیام دسمبر تاکنون، به ندرت در ناحیه ای از روسیه خصومت ها تماماً پایان پذیرفته است، خصومت هایی که مردم انقلابی آن را به شکل حملات چریکی پراکنده و گاه بیگانه بر دشمن، از خود نشان می دهند؛

۲) این عملیات چریکی، که به هنگام رویارویی دو نیروهای مسلح متخاصم، و همچنین در زمانی که سرکوب نظامی توسط نیروی نظامی موقتاً پیروز، بی وقفه افزایش می یابد، اجتناب ناپذیر می باشند، این عملیات به منظور پراکنده ساختن و برهم زدن تشکل نیروهای دشمن، به مرحله اجرا درمی آیند و راه را برای عملیات مسلحانه توده ای و علنی در آینده هموار می سازند؛

۳) این عملیات از این نظر که کسب تجارب رزمی و آموزش نظامی را برای جوخه های رزمی ممکن می سازد نیز ضروری است، چرا که در طی قیام دسمبر، در بسیاری از مناطق، این جوخه ها نشان دادند که برای انجام وظایف جدیدشان آمادگی ندارند؛

ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که حزب باید عملیات رزمی چریکی جوخه های رزمی وابسته به خود و یا متحد با حزب را، اصولاً، به مثابه عملیاتی مجاز و مقتضی در دوره کنونی به شمار آورد؛

۲) که خصلت این عملیات رزمی چریکی باید در تطابق با وظیفه آموزش رهبران توده های کارگران در زمان قیام و نیز وظیفه کسب تجارب در زمینه هدایت عملیات تعرضی و غافلگیر کننده، تنظیم گردد؛

۳) که مهم ترین هدف فوری این عملیات، انهدام حکومت، دستگاه های پولیس و ارتش، و برپائی مبارزه ای بی امان علیه سازمان های فعال گروه های سازمان یافته سرکوبگر [صدهای سیاه] است که در برابر مردم به قهر متوسل شده و مردم را مرعوب می کنند،

۴) که این گونه عملیات رزمی برای مصادره منابع مالی متعلق به دشمن، یعنی دولت خودکامه، به منظور تأمین نیازهای قیام، مجاز می باشد، با بذل توجه خاص بدین مطلب که در این گونه عملیات خسارات وارده به منافع مردم باید تا حد ممکن کم باشد؛

۵) که عملیات رزمی چریکی باید تحت کنترل حزب انجام شود، و علاوه بر آن، اجرای عملیات باید به گونه ای باشد که از ائتلاف نیروهای پرولتاریا جلوگیری کرده و تضمین نماید که وضعیت جنبش طبقه کارگر و روحیه توده های وسیع هر محل معین در نظر گرفته می شوند.

دولت موقت انقلابی و ارگان های محلی قدرت انقلابی

نظر به این که:

۱) جنبش انقلابی، در جریان تکاملش به مبارزه مسلحانه علیه دولت خودکامه، تاکنون شکل قیام های پراکنده محلی به خود گرفته است؛

۲) در این مبارزه علنی، عناصری از جمعیت محلی که قادر به جنگیدن قاطعانه علیه رژیم قدیمی هستند (تقریباً فقط پرولتاریا و بخش های پیشرو خرده بورژوازی) مجبور به برپا کردن سازمانهایی بوده اند که در عمل اشکال جنبینی یک قدرت جدید انقلابی می باشند - شوراهای نمایندگان کارگران در سن پترزبورگ، مسکو و دیگر شهرها، شوراهای نمایندگان سربازان در ولادی وستک، کراسنویارسک و دیگر جاها، کمیته های کارگران راه آهن در سبیری و جنوب، کمیته های دهقانی در گوبرنیای [استان] ساراتوف، کمیته های انقلابی شهری در نووراسییسک و دیگر شهرها، و در آخر، نهادهای انتخابی روستائی در قفقاز و استانهای بالتیک؛

۳) این نهادها، در هماهنگی با شکل اولیه و بدوی قیام، در فعالیتهایشان همان قدر پراکنده، نامنظم، بی عزم، و فاقد حمایت یک نیروی سازمان یافته مسلح انقلاب بوده اند، و از این رو محکوم به سقوط در اولین عملیات تهاجمی ارتش های ضدانقلابی؛

۴) تنها یک دولت موقت انقلابی، به مثابه ارگان قیامی پیروزمند، قادر است همه مقاومتها توسط ضدانقلاب را درهم شکند، آزادی کامل برای تبلیغات انتخاباتی را تضمین کند، یک مجلس مؤسسان قادر به مستقر نمودن واقعی حاکمیت مردم را بر مبنای حق رأی عمومی، مساوی و مستقیم با رأی مخفی تشکیل دهد و مطالبات حداقلی اجتماعی و اقتصادی پرولتاریا را محقق سازد؛

ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که به منظور کامل کردن انقلاب، وظیفه فوری که اکنون در مقابل پرولتاریا قرار دارد، به صورت مشترک با دمکراتهای انقلابی، کمک کردن به وحدت بخشیدن به قیام، و برپا نمودن ارگانی است که آن را، در شکل یک دولت موقت انقلابی، متحد خواهد کرد؛

۲) که یکی از شرایط برای تحقق موفقیت آمیز عملکردهای دولت انقلابی استقرار ارگانهای انقلابی خودمختار محلی، در همه جوامع شهری و روستائی که به قیام پیوسته اند و بر مبنای حق رأی عمومی، مساوی و مستقیم توسط رأی مخفی انتخاب شده اند است؛

۳) که شرکت نمایندگان حزب ما در دولت موقت انقلابی به همراه بورژوا دمکراتهای انقلابی بسته به صف بندی نیروها مجاز است، و باید رسماً مشروط به کنترل شدن این نمایندگان توسط حزب، و در جوهرش، مشروط به حمایت

آنها از منافع مستقل طبقه کارگر و حفظ قاطعانه استقلال حزب سوسیال - دمکرات بشود که برای انقلاب سوسیالیستی کامل تلاش می کند و از این رو با همه احزاب بورژوائی دشمنی بی امانی دارد؛

(۴) که، صرف نظر از این که آیا برای سوسیال - دمکراتها شرکت در دولت موقت انقلابی امکان پذیر خواهد بود یا نه، ترویج باید در بین وسیع ترین بخشهای ممکن پرولتاریا انجام شود تا توضیح داده شود که پرولتاریای مسلح، که توسط حزب سوسیال - دمکرات هدایت می شود، باید با هدف نگهداری، تحکیم و توسعه دادن دستاوردهای انقلاب، فشاری مداوم بر دولت انقلابی وارد آورد.

ادامه دارد.